



این عکس‌ها در دسته بندی‌هایی چون فضاهای خانگی، آبستره، طبیعت خلاقه، و ترکیب‌های ناآشنا ثبت شده‌اند. اندازه این عکس‌ها متفاوت و از پهنای 70 سانتی متر تا 4 متر است.

کیارنگ-علائی درباره‌ی این نمایشگاه می‌گوید: « قصد برگزاری نمایشگاه عکس انفرادی را به دلایل متعدد نداشتیم و بیشتر ترجیح می‌دادم نمایشگاه در قالب گروهی برگزار شود، اما روند اتفاقات، کار را به سمت برپایی یک نمایشگاه انفرادی کشاند. و حقیقت آن است که این عکس‌ها که تجربه‌های جدید بصری من است بدجوری روی روحم سنگینی می‌کرد، باید آنها را نمایش می‌دادم تا می‌توانستم از آنها گذر کنم، ذهن ام از آنها خالی شود و برای تجربه‌های دیگر آماده شوم. عکس به مثابه یک رسانه دیداری حالا دیگر شاید مثل یک فیلم کوتاه بتواند تاثیر آنی را که برای ارتباط با مخاطب به آن نیاز است، برآورده کند و به یک تعامل دو طرفه بین خواننده عکس و عکس دست یابد. حداقل می‌توان امیدوار بود که در فضای عکاسی معاصر و آشنایی و مانوس بودن ذهن مخاطبان امروزی با عکس (بواسطه تکرر آن در مطبوعات، اینترنت و فضاهای زندگی شهری) جنس ارتباط با عکس و خوانش آن کاملاً دگرگون شده باشد، و از این بابت رسالت عکس بسیار دشوار است و باید به این اندیشید که عکس در یک نمایشگاه عمومی چه کاری را باید انجام دهد، چه وظیفه‌ای بر دوش دارد، و به چه خویشاوندی با بیننده/خواننده‌اش دست می‌یابد! »

در حاشیه‌ی این نمایشگاه کتابی مشتمل بر گزیده‌ای از آثار عکاس در این سال‌ها منتشر می‌شود. این کتاب در قطع وزیری

و 40 صفحه تمام رنگی است. در این کتاب عکس و متن به پیشواز هم آمده‌اند، اما متن‌ها به هیچ عنوان در پی روایت عکس‌ها نیستند و وظیفه‌ای دیگر بر عهده دارند.

مقدمه‌ی این کتاب به قلم «دکتر واقف کاشفی» نوشته شده است. بخشی از این مقدمه می‌گوید:

«جایی دورتر کجاست؟ آیا این عبارت، وعده گاه یک ملاقات است؟

پس آیا بهتر نیست بپرسیم جایی دورتر «کی و کجاست؟»

فاعل نفسانی همواره بیشتر یا کمتر از اندازه می‌گوید چرا که هرگز نمی‌تواند اسم دلالتی را بیابد که از آن خودش باشد. شاید به این خاطر است که معمولاً فاعل سخن ادعا می‌کند زبان نمی‌تواند آن چه او قصدش را دارد کاملاً بیان کند. عبارت جایی دورتر به نظر می‌رسد چیزی را کم می‌گوید اما آموزه‌های علم روانکاوی درست عکس آن را به ما می‌گوید، در جایی دورتر با یک مازاد دلالت مواجه هستیم، مازادی که همچون پرده حاضر در یکی از عکس‌های کیارنگ علایی فضایی را در پشت خود پنهان می‌کند: فضایی که فاعل نفسانی، خویش را در آن جستجو می‌کند؛ جستجویی در بازنمایی خویش.

اگر بپذیریم که زبان، حدیث تمنای آدمی است در آن صورت جایی دورتر شبه گزاره‌ای آرزومندانه می‌باشد. ماهیت این آرزومندی و تمنا هر چه که باشد محصلش یک سفر است؛ سفری که هر چند نشانی اولیه‌اش مکان نگارانه است اما ماهیتی زمان مندانه دارد. آیا این سفری گذشته جوست یا سفری آینده خواهد می‌باشد؟

تمامی عکس‌های کیارنگ علایی در این نمایشگاه دستاوردی ست از این سفر. سفری حاصل از تمنای یک مسافر. مسافری که سفر را می‌نویسد و سفر مسافر را. در این سفر، مسافر به عنوان بخشی از وجود مولف به فتوح و گشایش دنیای خویش دست می‌زند و هم زمان خود به عنوان مرزهای دنیای خویش ظاهر می‌شود.

سفر مقوله‌ای است انسانی، چرا که به ساحت زمان متعلق است. زمان در عرف روانکاوی نسبتی است که در هر لحظه فرد به موجب گذشته و بنابر فراقنی آن در آینده با حیث کنونی خویش داراست. زمان، فراقنی گذشته در آینده و رجوع آن به زمان حال می‌باشد.

درعکس‌های کیارنگ علایی جستجویی به گذشته و از گذشته جاری است. مسافر این عکس‌ها نه تنها در پی یافتن گذشته خویش است بلکه همزمان در حال ساختن گذشته خود نیز هست چرا که گذشته آدمی مقوله‌ای نامتحرک نیست بلکه نسبتی است که فرد هر آن با گذشته خویش داشته و آینده خود را بنابر آن پایه ریزی می‌کند، بنابر این تفارق قطعی میان گذشته و حال و آینده، تصنعی و خالی از واقعیت است ...

با جستجوی امر زیبای کانتی از آستانه دیگر وارد این کتاب تصویری عکاسانه می‌شویم؛

در زیبا شناسی کانت امر زیبا امری متفاوت از امر والا و مطبوع می‌باشد، زیبایی مورد نظر کانت هیچ نسبتی با میل و خواست ندارد، با هیچ غرض و بهره‌ای گره نمی‌خورد و از طرفی مستقل از هر گونه مفاهیم است، با اینکه عام و شامل هست اما از نظر منطقی قابل اثبات نیست، یافتن امر زیبای مورد نظر در عکس‌های کیارنگ علایی شاید مشابه ورود به اتاق‌های عمل مستلزم عبور از محوطه‌ای است که پیش از هر کاری داوطلب ورود می‌بایست لباس‌های خویش را در آورده و البسه‌ای سترون (استریل) بر تن نماید تا بتواند بی‌غرضانه و بی‌نظرانه قادر به یافتن آن امر و لذت زیبا شود.»

کیارنگ علایی متولد 1355 مشهد و عکاسی خودآموخته است. عکاسی را به طور جدی از سال 1382 آغاز کرده و در این سال‌ها در کنار تجربه عکاسی، کوشیده است در بخش اجرایی عکاسی نیز فعالیت کند.

برگزاری هشت دوره جشنواره سراسری عکس آماتوری آبرنگ (1381 تا کنون) و پنج دوره جشنواره عکس کودک و نوجوان آبرنگ (1384 تا کنون) و داوری جشنواره‌های متعدد عکس و فیلم بخشی از این فعالیت‌ها است. او معتقد است جشنواره‌های عکس آماتوری آبرنگ را با دست خالی اجرا کرده است و صرفاً به پشتوانه حضور پر تعداد عکاسان آماتور ایرانی از نقاط دور و نزدیک، و پتانسیلی که ذاتاً در عکاسی آماتوری وجود دارد، توانسته است یک جشنواره سراسری را با هزینه‌ای بسیار پایین برگزار کند.

انتشار فصلنامه عکس آبرنگ نیز از جمله‌ی این دغدغه‌هاست. این فصلنامه در قطع و هیاتی متفاوت از یک مجله‌ی رسمی، مشتمل بر مطالبی بسیار فشرده برای عکاسان آماتور است. این فصلنامه تا کنون 23 شماره‌اش منتشر شده است.

وی در حال حاضر مدرس عکاسی در موسسات آموزش عالی است.

نمایشگاه عکس «جایی دورتر» از عصر روز شنبه 6 تیر 1388 در خانه هنرمندان مشهد واقع در انتهای خیابان شهید بهشتی گشایش می‌یابد و تا عصر 11 تیر 1388 ادامه دارد. در برگزاری این نمایشگاه مدیریت امور هنری شهرداری مشهد، کانون هنرمندان خراسان و انجمن سینمای جوانان مشهد همکاری دارند.